

سازوکار تأثیر گذاری بازیگران غیردولتی خشونت گرا بر دشواری های دولت-ملت در کشورهای خاورمیانه

نوع مقاله: پژوهشی

DOR: 20.1001.1.15601986.1399.27.3.4.0

دانیال رضایپور**

مهدی هدایتی شهیدانی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۲۵

چکیده

جهان عرب پس از تحولات اجتماعی از سال ۲۰۱۱ به بعد شاهد دو پدیده درهم تنیده است: اولین مورد، وخیم تر شدن وضعیت داخلی کشورهایی بوده است که خطر فروپاشی را تجربه کردند همانند لیبی، سوریه و یمن. مورد دوم ظهور بازیگران خشونت آمیز غیردولتی مانند سازمان های جهادی تروریستی، جنگ سالاران، سندیکاها و جرایم سازمان یافته و شبه نظامیان مسلح وابسته به احزاب سیاسی و قبایل. پدیده دوم نتیجه طبیعی مورد اول است. هر دولتی پس از شکست، قادر به انحصار استفاده از زور، کنترل کامل بر قلمرو و تأمین امنیت مرزهایش نیست. این شرایط یک خلاء امنیتی و سیاسی ایجاد می کند که محیط مناسبی برای گسترش بازیگران خشونت آمیز غیردولتی محسوب می شود. در حال حاضر در کشورهای عربی، نقش چنین بازیگرانی باعث شده است تا تلاش های صلح آمیز برای دولت ها سخت تر و پیچیده تر شود. این مقاله با هدف تجزیه و تحلیل دلایل بحران دولت ملت در جهان پساعرب، پرسش اصلی مقاله آن است که مهم ترین دلایل شکل گیری و گسترش بازیگران غیردولتی خشونت آمیز در جهان عرب چیست؟ ترکیب پیچیده و چندلایه ای از عوامل اقتصادی، ساختار اجتماعی مذهبی و عوامل سیاسی و بحران مشروعیت و مداخله مستمر کشورهای بیگانه برای پشتیبانی یا سرکوب گروه های تروریستی، به ناامنی و افزایش منازعات دامن زده است که این عوامل باعث ظهور بازیگران خشونت آمیز غیردولتی در جهان عرب شده است.

واژگان کلیدی: بازیگران خشونت آمیز غیردولتی، پسا بهار عربی، دولت-ملت، خاورمیانه، شمال آفریقا

* استادیار علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه گیلان، رشت، ایران، (نویسنده مسئول). mehdi.hedayati88@gmail.com

** دانش آموخته دکتری روابط بین الملل دانشگاه گیلان، رشت، ایران. danielrezapour@yahoo.com

مقدمه

خاورمیانه و شمال آفریقا به عنوان پرآشوب‌ترین و در عین حال بحرانی‌ترین مناطق جهان به شمار رفته و تحولات این دو منطقه به گونه‌ای مؤثر، تمامی جهان را تحت تأثیر قرار داده است. ژئوپلیتیک این دو منطقه هم در طی یکصد سال گذشته همواره در معرض تغییر و تحول قرار داشته و بازیگران رسمی و غیررسمی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آینده این مناطق را در حالت ابهام و وضعیت نامعلومی قرار داده‌اند. ازجمله جریان‌ها و بازیگران غیررسمی که در دهه اخیر نقش بسیاری در این مناطق ایفا کردند و هر روز نیز بر دامنه نفوذ آن‌ها افزوده می‌شود، بازیگران خشونت‌آمیز غیردولتی هستند. بازیگران خشونت‌آمیز غیردولتی^۱ پدیده‌ای جهانی است که بسیاری از کشورها درجات و اشکال مختلفی از آن را تجربه کرده‌اند. این پدیده پس از دوران جنگ سرد به طرز چشم‌گیری افزایش یافت که نتیجه آن افزایش چشم‌گیر تعداد جنگ‌ها و درگیری‌ها در داخل کشورها و ایجاد بحران امنیتی بوده است. با توجه به تأثیرگذاری بازیگران خشن غیردولتی در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی، در این مقاله سعی شده است از نظر آکادمیک این پدیده را مورد بررسی قرار گیرد. در حال حاضر، جهان شاهد حضور گسترده این بازیگران می‌باشد. البته این پدیده در جهان عرب چیز جدیدی نیست، زیرا سازمان‌هایی مانند القاعده با شعبه‌های خود در چندین کشور عربی از دهه ۱۹۸۰ ظهور کرده‌اند. همچنین، از دهه ۱۹۷۰ جهان عرب شاهد ظهور بسیاری از گروه‌های مسلح و سازمان‌های جهادی رادیکال سلفی بود که اغلب کشورها و جوامع را به چالش کشیدند. افزایش تعداد این گروه‌ها در دوره پسابهارعربی نتیجه بسیاری از عوامل از جمله کاهش قدرت مرکزی و نهادهای دولتی در بسیاری از کشورهای عربی می‌باشد. به طوری که براساس گزارش سال ۲۰۱۸ که توسط دانشگاه مری‌لند منتشر شده است، تعداد سازمان‌های جهادی سلفی در جهان عرب بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸، ۵۸ درصد افزایش یافته است. افزایش این تعداد سازمان ارتباط مستقیمی با جنگ‌های داخلی و تجزیه کشور در لیبی، سوریه و یمن دارد (Global Terrorism Database at the University of Maryland, 2018: 2).

1 - violent non-state actors (VNSAS)

ساز و کار تأثیر گذاری بازیگران غیردولتی خشونت گرا بر دشواری های دولت-ملت در کشورهای خاورمیانه / مهدی هدایتی شهیدانی / دانیال رضایور

در دوران پسا بهار عربی، بازیگران خشونت آمیز غیردولتی نه تنها از نظر تعداد افزایش یافته است، بلکه متنوع تر هم شده اند. این امر با آن واقعیت منطبق است که انواع مختلفی از هویت، ایدئولوژی، اهداف، راهبرد، ساختار سازمانی، سبک های رهبری و روش های استخدام برای این نوع بازیگران وجود دارد. برخی از این سازمان ها فعالیت خود را در سطح ملی متمرکز می کنند، در حالی که برخی دیگر روی سطوح منطقه ای یا بین المللی متمرکز شده اند. علاوه بر این، بین بازیگران مختلف غیردولتی و ارتباط آن ها با دولت و سایر سازمان های مسلح در داخل یا خارج از کشور تفاوت هایی وجود دارد. به دلیل تنوع این نوع بازیگران در جهان عرب، طبقه بندی آنها بسیار دشوار است، زیرا نفوذ فزاینده ی بسیاری از این گروه ها و سازمان ها در دوره پسا بهار عربی از عوامل مختلفی ناشی شده است که مهم ترین آن ها تکه تکه شدن دولت ملت در برخی از کشورهای عربی یا ادامه ضعف و شکنندگی در بسیاری از کشورهای دیگر بوده است. دلیل این امر آن است که وقتی دولت مرکزی متلاشی می شود و دستگاه ها و نهادهای دولتی فرو می ریزند، دولت قادر به تحمیل کنترل خود بر قلمرو خود و تأمین مرزهای خود نیست. همچنین، در انحصار استفاده قانونی از نیروی اجبار و ارائه کالاها و خدمات عمومی به شهروندان، که هر دو ویژگی مهم دولت هستند، ناکام می مانند. همه این عوامل بخش هایی از قلمرو کشور را از حیطه اختیارات دولت خارج می کند و با ایجاد خلاء سیاسی و امنیتی، امکان ظهور بازیگران غیردولتی خشونت آمیز و گسترش فعالیت و نقش آن ها را فراهم می کند.

به طوری که بازیگران غیردولتی تهدید اساسی برای دولت ملت در جهان عرب در سطح ساختار، حاکمیت و کنترل بر قلمرو می باشند. این سازمان ها در کشورهایی مانند یمن، سوریه، لیبی و سودان درگیر جنگ های داخلی هستند. این اوضاع ضمن تشدید بحران امنیتی در داخل کشورهای جهان عرب، فرایند حل و فصل را مشکل تر و پیچیده تر کرده اند. نکته خطرناک تر این است که بسیاری از این بازیگران در سطح منطقه ای و بین المللی با قدرت های فرامنطقه ای در ارتباط هستند و به ابزاری تبدیل شده اند که توسط آن قدرت های خارجی برای دستیابی به دستور کارها و منافع خود از این بازیگران استفاده می کنند. بنابراین، جنگ های داخلی که بسیاری از کشورهای عربی پس از بهار

عربی تجربه می‌کنند، شامل جنگ‌های نیابتی^۱ هم می‌شود. برخی از سازمان و گروه‌ها در جهان عرب تهدیدی برای امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌شوند. در طی چند سال گذشته، بسیاری از عملیات‌های تروریستی توسط «دولت اسلامی شام و عراق یا داعش» سازمان‌ها و سلول‌های وابسته به آن در بسیاری از کشورهای جهان انجام شده است. علی‌رغم شکست نظامی داعش در عراق و سوریه در سال ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ و بازپس‌گیری مناطقی که تحت کنترل این سازمان بود، داعش هنوز هم با فعال کردن حامیان خود و اعمال راهبرد «گرگ‌های تنها»^۲ به انجام عملیات تروریستی در بسیاری از مناطق مبادرت می‌ورزد (Alami, ۲۰۱۹: ۵).

در همین راستا و با توجه به اهمیت موضوع، این پژوهش، محور کار خود را حول پاسخ‌گویی به پرسش اساسی زیر قرار داده است که از دلایل شکل‌گیری و گسترش بازیگران غیردولتی خشونت‌آمیز در جهان عرب چیست؟ و روند تحولات پسابهارعربی چه تاثیری بر ساختار دولت‌ملت‌های جهان عرب گذاشته است؟ پاسخ موقت به سوالات فوق بدین گونه است که ترکیب پیچیده و چندلایه‌ای از عوامل اقتصادی، ساختار اجتماعی - مذهبی و عوامل سیاسی و بحران مشروعیت و مداخله مستمر کشورهای بیگانه برای پشتیبانی یا سرکوب گروه‌های تروریستی، به ناامنی و افزایش منازعات دامن زده است که این عوامل باعث شکل‌گیری و ظهور بازیگران خشونت‌آمیز غیردولتی در جهان عرب شده است. فروپاشی دولت‌ها پس از بهارعربی ضمن تشدید بحران امنیتی در کشورهای عربی، باعث ظهور و گسترش بازیگران جدید غیردولتی شده است که این ظهور باعث تکه تکه شدن و افزایش بی‌ثباتی در کشورهای هدف شده است. چندین مفهوم و رویکرد روش‌شناختی وجود دارد که بیانگر پیشینه مقاله است که پدیده بازیگران غیردولتی خشونت‌آمیز را در جهان عرب تجزیه و تحلیل می‌کند. اول، تجزیه و تحلیل این بازیگران را از نظر ظهور، ایدئولوژی‌ها، اهداف، ساختارهای سازمانی، منابع مالی و روش‌های استخدام می‌باشد (واثق و آقایی، ۱۳۹۴ و اشرف نظری و السمیری،

1 . Proxy War

2 . Lonely Wolves

۱۳۹۳) همچنین (Yesiltas and Kardas, 2018). دوم، این امر به سمت بحران ساختاری رویکرد ملت دولت پیش می‌رود. کشورهای فروپاشیده و شکننده در جهان عرب پناهگاه‌هایی امن برای ظهور و گسترش این بازیگران هستند (Nakamura, 2019: Zaman, 2015: Kamrava, 2016). سوم، این رویکرد اقتصاد جنگ را توضیح می‌دهد که به منابع مالی بازیگران غیردولتی می‌پردازد. برخی از سازمان‌های مسلح عمدتاً خواهان کسب سود هنگفت هستند، سایر سازمان‌ها دارای برنامه سیاسی هستند و به دنبال منابع مالی برای تأمین مالی فعالیت‌ها و عملیات خود از جمله شرکت در جنگ و درگیری‌های داخلی هستند (محروق، ۱۳۹۴ و ابراهیمی‌فر، ۱۳۹۶ و Eaton, ۲۰۱۸). رابعاً، الگوهای روابط بین ملت‌دولت‌ها و بازیگران غیردولتی و عوامل تعیین کننده آن‌ها را تشریح خواهد کرد (Ali, 2020) (اخوان کاظمی و همکاران، ۱۳۹۷ و بصیری و همکاران، ۱۳۹۵). سرانجام، این رویکرد چارچوب منطقه‌ای و بین‌المللی که در آنالیز و ارزیابی نقش‌های مختلف قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در پشتیبانی یا مقابله با این بازیگران با توجه به اهداف و علایق آن‌ها، مورد بررسی قرار می‌دهد. جنگ‌ها و درگیری‌های داخلی در بسیاری از کشورهای عربی که بازیگران غیردولتی خشونت‌آمیز در آن دخیل هستند باید با در نظر گرفتن مداخلات مستقیم و غیرمستقیم قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در این جنگ‌ها و درگیری‌ها تحلیل و ارزیابی شوند (Ezrow, 2017).

۱- چارچوب مفهومی

با توجه به تنوع بازیگران غیردولتی از نظر هویت، اهداف، منابع مالی، استراتژی‌ها و رابطه با دولت و جامعه، تعریف واحدی از این مفهوم وجود ندارد، به خصوص که موضوع به روش‌های مختلف و متفاوتی توسط دانشمندان علوم اجتماعی تفسیر می‌شود. با توجه به این مسئله، می‌توان گفت که مفهوم بازیگران غیردولتی خشونت‌آمیز به طور کلی به سازمان‌ها یا گروه‌هایی گفته می‌شود که شامل موارد زیر باشد: ۱- عنصر سازمان: به معنای داشتن نام خاص، ساختار سازمانی (سلسله مراتبی یا شبکه‌ای یا ترکیبی از هر دو) و یک نوع رهبری. ۲- حیطه عملیاتی خارج از کنترل دولت: جایی که

بازیگران غیردولتی جزء نهادهای رسمی دولتی مانند ارتش ملی، پلیس، گارد جمهوری و گارد ملی نباشند. در بعضی موارد، این بازیگران قسمت‌هایی از قلمرو دولت را کنترل کرده و اختیارات خود را در آن منطقه اعمال می‌کنند. ۳- استفاده از زور برای رسیدن به اهدافشان: اهداف بازیگران غیردولتی ممکن است سیاسی، اقتصادی، مالی و یا ترکیبی از این اهداف باشد. ۴- برخورداری از استقلال در عملیات نظامی، سیاست‌ها و منابع مالی از دولت‌های هدف: مسئله استقلال در اینجا نسبی است، زیرا ممکن است در بعضی موارد دولت در درجات مختلف، پنهانی یا عمومی از این نوع بازیگران پشتیبانی کند تا به اهداف خاصی برسد. این امر به ویژه در مورد شبه‌نظامیان، مزدوران، امنیت شخصی و شرکت‌های نظامی صدق می‌کند (Yesiltas and Kardas, 2018: 6-8).

با توجه به تنوع بازیگران غیردولتی، محققان تلاش زیادی برای طبقه‌بندی این بازیگران انجام داده‌اند. این تلاش‌ها براساس معیارهای مختلفی از جمله ایدئولوژی، اهداف، استراتژی‌ها، قابلیت‌های نظامی، روش‌های استخدام و منابع تأمین اعتبار انجام شده است. علاوه بر این، از نظر کنترل آن‌ها بر مناطق جغرافیایی در کشورهایی که در آن‌ها فعالیت می‌کنند و ماهیت رابطه بین بازیگران غیردولتی مربوطه و دولت‌ها و حتی بین خود بازیگران اختلاف نظر وجود دارد. براساس آخرین دستاوردها برای طبقه‌بندی بازیگران غیردولتی، ایزرو^۱ آنها را در پنج گروه قرار داد: شورشیان، سازمان‌های تروریستی و شبکه‌های ترور، جنگ‌سالاران و سرقت‌گران، بازیگران جرایم سازمان‌یافته، باندها و شرکت‌های امنیتی خصوصی و واحدهای شبه نظامی (Ezrow, 2017: 43). مشکلات موجود در طبقه‌بندی بازیگران غیردولتی همیشه وجود داشته است زیرا بسیاری از دسته‌ها از یک مفهوم واحد پیروی می‌کنند (به همین خاطر برخی از ویژگی‌های مشترک بین این طبقه‌بندی‌ها وجود دارد) همچنین باید خاطرنشان کرد که برخی از محققان دو نوع بازیگران غیردولتی را در یک گروه قرار داده‌اند، مانند شبه‌نظامیان خصوصی، شرکت‌های نظامی، سازمان‌های جنایتکار و باندهای جوانان و مزدوران و شرکت‌های امنیتی خصوصی. علاوه بر این، بین برخی از مفاهیم مانند تروریست‌ها و سازمان‌های تروریستی، گروه‌ها و سازمان‌های

سازوکار تأثیر گذاری بازیگران غیردولتی خشونت گرا بر دشواری های دولت-ملت در کشورهای خاورمیانه / مهدی هدایتی شهیدانی / دانیال رضایپور

جنایت کار، هم پوشانی وجود دارد و هیچ تمایز روشنی وجود ندارد. علی رغم تنوع این بازیگران در جهان عرب، این تحقیق بر مؤثرترین بازیگران در سطح ملی، منطقه ای و بین المللی متمرکز خواهد شد. این بازیگران به سه نوع طبقه بندی می شوند: اول، سازمان های تروریستی جهادی سلفی، چه افراد فعال در سطح ملی و چه فراملی، مانند داعش و القاعده. دوم، گروه های مسلح و نیروهای شبه نظامی. سوم، شبه نظامیان مسلح مبتنی بر پایگاه های قومی، فرقه ای یا قبیله ای.

جدول ۱: طبقه بندی بازیگران غیردولتی خشونت آمیز (Ali, 2020)

آیدینلی ^۱	اسچنیکینر ^۲	زوهار ^۳	ژیدکوا ^۴	مولاج ^۵	ویلیامس ^۶
شورشیان و سایر گروه های مبارز داخلی	شورشیان یا مبارزان چریکی	بازیگران غیر دولتی خشونت آمیز جدایی طلب	جنبش های آزادی بخش ملی	جنبش های آزادی بخش ملی	جنگ سالاران
جنگ سالاران / باندهای شهری	شبه نظامیان	بازیگران غیر دولتی خشونت آمیز اجتماعی	گروه های چریکی شورشی	گروه های چریکی شورشی	شبه نظامیان
شبه نظامیان خصوصی / شرکت های نظامی	روسای قبیله یا افراد بزرگ	بازیگران غیردولتی خشونت آمیز قومی	گروه های تروریستی جنگ سالاران	گروه های تروریستی	شورشیان
تروریست ها و سازمان های جنایی	جنگ سالاران، تروریست ها، جنایت کاران و غارت گران	بازیگران غیر دولتی خشونت آمیز جهانی	نیروهای مسلح چریکی	ستیزه جویان متشکل از نیروهای مسلح چریکی	سازمان های تروریستی
	مزدوران و شرکت های امنیتی شخصی		سازمان های جنایی فراملی	شبه نظامیان مزدور	سازمان های جنایی و باندهای جوان

1. Aydinli
2. Schneckener
3. Zohar
4. Zhidkova
5. Mulaj
6. Williams

۲- گسترش بازیگران غیردولتی خشونت آمیز بعد از بهار عربی

اگرچه پدیده بازیگران غیردولتی خشونت آمیز پیش از بهار عربی وجود داشت، اما پس از این واقعه به دلایل مختلفی افزایش یافته است که در این بخش جنبه‌هایی از گسترش این بازیگران در جهان عرب ارائه می‌گردد. همچنین تجزیه و تحلیل بازیگران غیردولتی مختلف در ادامه این بخش این واقعیت را نادیده نمی‌گیرد که بین برخی از آن‌ها از نظر ایدئولوژی، راهبردها، منابع تأمین مالی یا رابطه با رژیم‌های حاکم، درجه‌ای از همپوشانی وجود دارد.

۲-۱- سازمان‌های جهادی سلفی

سازمان‌های جهادی سلفی از برجسته‌ترین بازیگران غیردولتی در جهان عرب هستند. آن‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند، دسته اول شامل سازمان‌هایی با ماهیت محلی است که اغلب فعالیت‌ها و عملیات خود را در مرزهای کشور خاص انجام می‌دهند. دوم شامل سازمان‌های فراملی است که در بسیاری از کشورهای جهان دارای شعبه و حامی هستند. دسته اول شامل سازمان‌هایی مانند جنبش مجاهدین الشباب^۱ (جنبش جوانان مجاهدین) است که عمدتاً اعمال تروریستی خود را در سومالی انجام می‌دهد، گروه انصار بیت المقدس^۲ (حامیان بیت المقدس) که عمدتاً در مصر بویژه صحرای سینا حضور دارد، جبهه النصره که وارد درگیری‌های سوریه شده است و انصار الشریعه^۳ در لیبی و تونس (Walayat Sinai Group, 2017: 10). علاوه بر این سازمان‌ها، سازمان‌های دیگری وجود دارند که از دهه ۷۰ تاکنون در بسیاری از کشورهای عربی اعمال خشونت و وحشت را گسترش داده‌اند. القاعده و داعش برجسته‌ترین سازمان‌های جهادی تروریستی فراملی هستند. با توجه به اینکه اعضای هر دو سازمان از کشورهای مختلفی هستند، شاخه‌ها و حامیان آن‌ها در سراسر جهان گسترده است و این افزایش حامی باعث افزایش دامنه جغرافیایی می‌شود که در آن این گروه‌ها عملیات خود را به راحتی انجام می‌دهند.

1. Mojahedin Al Shabab Movement

2 . Ansar Bayt al-Maqdis

3 . Ansar al-Sharia

اگرچه القاعده از نظر تأسیس، قدیمی‌ترین سازمان است، اما به تأثیرگذاری داعش از نظر محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی نمی‌رسد. بین سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۷، داعش مناطق بزرگی از سوریه و عراق را اشغال کرد، مرز بین‌المللی بین دو کشور را نابود و از تأسیس دولت خلافت اسلامی خبر داد. داعش همچنین قادر به جذب اعضای ۱۰۰ کشور در سراسر جهان از جمله کشورهای غربی مانند ایالات متحده، فرانسه، آلمان و... بود. علاوه بر این، داعش در بسیاری از کشورهای عربی و غیرعربی توسط سازمان‌های محلی جهادی سلفی حمایت می‌شد. همچنین به دلیل فراوانی منابع در مناطقی که در سوریه و عراق کنترل داشت، داعش به ثروتمندترین سازمان تروریستی جهان تبدیل شده بود. این سازمان همچنین از توانایی‌های نظامی برخوردار بود که هرگز در اختیار هیچ سازمان جهادی تروریستی دیگری نبوده است.

شکست نظامی داعش که ج.ا.ایران و مخصوصاً سردار شهید قاسم سلیمانی نقش بارزی در آن داشتند، داعش را وادار کرد تا استراتژی خود را از مدیریت و اداره سرزمین‌ها به سمت حملات چریکی تغییر دهد. علی‌رغم این واقعیت که تهدید داعش کمتر از سال ۲۰۱۴ است، اما هنوز قادر به انجام اقدامات ترور در داخل و خارج از سوریه و عراق می‌باشد (Byman, 2019: 1). اگرچه عاملان تروریستی القاعده پس از ۱۱ سپتامبر و سرنگونی رژیم طالبان در افغانستان عقب‌نشینی کردند و این امر پناه‌گاهی برای آن فراهم کرد، اما این سازمان همچنان استمرار خود را حفظ کرده و از طریق شعب و حامیان مستقر در بسیاری از کشورها به یک شبکه جهادی تروریستی تبدیل شده است. در حال حاضر، وابستگان القاعده شامل القاعده در شبه جزیره عربستان (AQAP)، حرکت الشباب و مجاهدین در سومالی، القاعده در مغرب اسلامی (AQIM) و القاعده در شبه قاره هند (AQIS) می‌باشد. علاوه بر این، جبهه النصره شاخه رسمی القاعده در سوریه از اواسط سال ۲۰۱۶ می‌باشد.

جدول ۲: تعدادی از سازمان‌های جهادی سلفی در آسیا و آفریقا (واثق و آقای، ۱۳۹۴)

نام سازمان تروریستی	محل فعالیت	مقیاس عملکرد	هدف سرزمینی و جغرافیایی
گروه ابوسیاف	جنوب فیلیپین	داخلی- ملی	خودمختاری مسلمانان غرب میندائو و مجمع الجزایر سولو
لشکر طیبه	کشمیر، پاکستان، جنوب آسیا	منطقه‌ای- بین‌المللی	تشکیل یک دولت اسلامی در جنوب آسیا و آزادی مسلمانان کشمیر هند
جماعت اسلامی	اندونزی، مالزی و فیلیپین	منطقه‌ای- بین‌المللی	شکل‌دهی به یک خلافت اسلامی که اندونزی، مالزی، جنوب تایلند، سنگاپور، برونی و جنوب فیلیپین را پوشش دهد
بوکوحرام	شمال نیجریه، شمال کامرون، جنوب نیجر، چاد	منطقه‌ای- بین‌المللی	اجرای شریعت اسلامی و در نهایت تاسیس یک حکومت براساس شریعت اسلام
داعش	سوریه، عراق، لبنان	منطقه‌ای- بین‌المللی	شکل‌دهی به یک خلافت اسلامی در منطقه شامات و عراق
لشکر جهنگوی	پاکستان، افغانستان	منطقه‌ای- بین‌المللی	مقابله با بدعت‌گذاران در دین اسلام در افغانستان و پاکستان
الشباب	مرکز و جنوب سومالی	ملی	شکل‌دهی یک دولت اسلامی
شبکه جهانی القاعده	خاورمیانه، آفریقا، شبه قاره، شرق آسیا	جهانی	اخراج غربی‌ها و غیر مسلمانان از سرزمین‌های اسلامی، سرنگونی رژیم‌های غیراسلامی و ایجاد یک خلافت اسلامی در سراسر جهان

۲-۲- گروه‌های مسلح و نیروهای شبه‌نظامی

تمایز بین گروه‌های مسلح و نیروهای شبه‌نظامی کاملاً مشخص نیست زیرا هر دو دارای تشکیلات مسلح خارج از نیروهای نظامی و امنیتی دولت هستند. لیبی و سوریه مواردی هستند که گروه‌های مسلح و نیروهای شبه‌نظامی در آن ظاهر شدند. در لیبی، این اتفاق در پی سرنگونی رژیم قذافی در سال ۲۰۱۱ رخ داده بود. در آن زمان، مراکز و مؤسسات دولتی از هم پاشیده شد که مهم‌ترین آن‌ها

ارتش و مؤسسات امنیتی دولت بودند. با این وضعیت لیبی در هرج و مرج، ناامنی و عدم توسعه فرو رفته بود که همه این عوامل باعث تحت کنترل گرفتن مناطق وسیعی از قلمرو دولت لیبی به چندین بازیگر خشونت آمیز غیردولتی شد. مک کوین گروه های مسلح لیبی را بر اساس کارکردهای سیاسی و اجتماعی به چهار دسته یعنی تیپ های انقلابی، تیپ های کنترل نشده، تیپ های پس از انقلاب و شبه نظامیان طبقه بندی کرد (McQuinn, 2012: 4). علی رغم طبقه بندی مک کوین به دلیل تعدد بازیگران غیردولتی در لیبی، تنوع وابستگی های عقیدتی و سیاسی آن ها و درهم تنیده شدن روابط داخلی و خارجی این بازیگران، روند دسته بندی آنها بسیار پیچیده تر از طبقه بندی فوق می باشد. بنابراین لیبی شاهد یک سری جنگ داخلی و درگیری بین بازیگران غیردولتی مختلف است که با ادامه اختلافات داخلی در سطوح سیاسی و نظامی از یک طرف و اختلافات بین نیروهای منطقه ای و بین المللی در رابطه با مسئله لیبی از سوی دیگر، اوضاع امنیتی لیبی بسیار پیچیده شده است. در سوریه، بسیاری از گروه های مسلح و نیروهای شبه نظامی از سال ۲۰۱۱ درگیر جنگ های داخلی شدند. لیست نیروهای مخالف بشار اسد شامل چندین گردان و نیروهای شبه نظامی مانند ارتش آزاد سوریه است که توسط ترکیه پشتیبانی می شود (Baczko et al, 2018: 54).

۳-۲- شبه نظامیان مسلح مبتنی بر پایگاه های فرقه ای، قومی یا قبیله ای

چنین شبه نظامیانی بیشتر در کشورهای ورشکسته یا شکننده ای همانند لیبی، سوریه، عراق، سودان و یمن گسترده است. در سوریه، تجزیه دولت و نهادهای آن به همراه افزایش درگیری های داخلی پس از سال ۲۰۱۱، منجر به ظهور بسیاری از بازیگران مسلح براساس مبانی فرقه ای و قومی شده است. برجسته ترین این سازمان ها یگان های حفاظت از مردم کرد است که ستون فقرات نیروهای دموکراتیک سوریه است که توسط ایالات متحده آمریکا پشتیبانی می شود. همچنین داعش که تا حدودی از پیش زمینه های فرقه ای برخوردار هست، نقش اساسی در درگیری سوریه داشته است. لیبی پس از معمر قذافی شاهد ظهور ده ها تن از بازیگران فرقه ای و قبیله ای بوده است. این بازیگران شامل شبه نظامیان مسلح مبتنی بر پایگاه های قومی و قبیله ای بودند که با توجه به پیچیدگی ساختار

قبیله‌ای جامعه لیبی از یک سو و استفاده از بازی نفاق قبیله‌ای (تفرقه بینداز و حکومت کن) به عنوان استراتژی بقا توسط رژیم قذافی از طرف دیگر سرکوب شده بودند. با این وجود عنصر قبیله‌ای در جنگ‌های داخلی لیبی در دوره پس از قذافی به شدت گسترش یافت. در این زمینه، درگیری‌های مکرر مسلحانه در استان جنوبی فزان^۱ بین قبایل با منشأ آفریقایی و قبایل با منشأ عرب شاهی بر این اختلافات می‌باشد (Wehrey, 2017: 32).

در سوی دیگر، عراق به ویژه پس از حمله و اشغال ایالات متحده در سال ۲۰۰۳، شاهد ظهور بسیاری از شبه‌نظامیان مسلح بر اساس وابستگی‌های مذهبی، فرقه‌ای و قبیله‌ای بوده است. مهمترین این شبه‌نظامیان مسلح گروه داعش است. در سال ۲۰۱۴، این گروه حدود یک سوم از خاک عراق از جمله موصل، دومین شهر بزرگ عراق را در اختیار گرفت که در مقابل دولت عراق نیروهای بسیج مردمی را که عمدتاً از شیعیان تشکیل شده بود، فراخواند تا در جنگ علیه داعش شرکت کنند (Jabar and Mansour, ۲۰۱۷: ۲). در سودان نیز شاهد ظهور بسیاری از گروه‌ها و سازمان‌های مسلح با وابستگی قبیله‌ای و قومی بودیم. این گروه‌ها در تغذیه درگیری‌های قبیله‌ای و قومی سهیم بوده و در حال حاضر مشارکت دارند. به عنوان مثال، درگیری گروه‌های مسلح در واقعه دارفور از سال ۲۰۰۳، نشان دهنده ترکیب پیچیده قبیله‌ای و قومی جمعیت دارفور است. برای مثال، جنبش آزادی‌خواهانه سودان و جنبش عدالت و برابری متعلق به قبایل با منشأ آفریقایی از جمله خز، زاگوا و دیگران است. از طرف دیگر، شبه‌نظامیان مسلح جنگاوید متعلق به قبایل با منشأ عرب هستند. بنابراین، درگیری بین این دو گروه جنبه‌های قومی و قبیله‌ای را به خود اختصاص داده است. علاوه بر این، درگیری‌های مسلحانه از سال ۲۰۱۱ بین نیروهای مسلح سودان و جنبش آزادی‌بخش مردم سودان شمالی در ایالت‌های کردوفان جنوبی و نیل آبی^۳، منعکس کننده اختلافات قومی و قبیله‌ای بوده است (Basil, 2013: 21).

1 . Fezzan

2 . Fur, Zagawa

3 . Southern Kordofan and Blue Nile

۳- دلایل ظهور بازیگران خشونت‌آمیز غیردولتی پس از بهار عربی

دلایل متعددی در مورد ظهور این نوع بازیگران در جهان عرب، به ویژه در دوران پس از «بهار عربی» وجود دارد که مهم‌ترین عوامل را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۳-۱- شالوده ناقص دولت‌ملت در خاورمیانه

بحران دولت‌ملت یکی از مهم‌ترین عواملی است که ظهور بازیگران غیردولتی را در جهان عرب توضیح می‌دهد. بحران ساختاری دولت‌ملت ریشه‌های تاریخی خود را از دوره استعمار اعراب به ارث برده است. در دوره پس از استقلال هم به دلیل عدم موفقیت نخبگان حاکم در ساختن دولت ملی فراگیر و مشروع که بتواند وظایف خود را به صورت کارآمد انجام دهد و هویت‌های فرقه‌ای و قبیله‌ای را در چارچوب یک هویت منسجم دولت‌ملت یکی کند، تشدید شده است. به دلیل شکست تاریخی نخبگان در بسیاری از کشورهای عربی، هویت متنوع گروه‌ها با وابستگی‌های قومی، مذهبی و قبیله‌ای، چالش بزرگی برای دولت بوجود آورد زیرا هنگامی که دولتی ورشکسته یا در حال فروپاشی باشد، توانایی انحصار حق استفاده قانونی از زور به عنوان یکی از مهم‌ترین خصوصیات دولت را از دست می‌دهد و همچنین نمی‌تواند کنترل خود را بر قلمرو خود تحمیل کند و امنیت، حفاظت و سایر نیازهای اساسی را برای شهروندان خود تأمین کند. بنابراین تاریخ گواه می‌دهد که کشورهای ضعیف و شکست خورده به یک محیط مناسب برای ظهور و گسترش بازیگران غیردولتی خشونت‌آمیز در برخی مناطق تبدیل می‌شوند (Ali, 2018: 765). در این زمینه، می‌توان به ظهور «جنبش جوانان مجاهدین» در سومالی، را بیان کرد. سایر کشورهای خاورمیانه نیز شاهد ظهور بسیاری از شورش و جنبش‌های مسلح در دوره‌های قبل و بعد از بهار عربی بوده‌اند (Kamrava, 2016: 54).

وجود بحران دولت‌ملت پس از بهار عربی بسیار عمیق‌تر شده است. تحولات چشمگیر سیاسی و امنیتی که از سال ۲۰۱۱ در جهان عرب اتفاق افتاد، بسیاری از کشورها را با خطرات تجزیه و ناکامی روبرو کرد و حتی وجود دولت‌ها را به عنوان نهادهای سیاسی قانونی در سوریه، لیبی و عراق مورد تهدید قرار داد. این چالش در بسیاری از کشورهای دیگر با خطر تهدید ماهیت دولت روبرو نیست،

اما مشروعیت نظام ضعیف است و همین امر باعث می‌شود دولت‌ها نتوانند عملکردهای خود را به صورت مؤثر و مفید به عنوان نهاد قانون‌گذار انجام دهند که همه اینها یک محیط مناسب برای ظهور و گسترش بازیگران غیردولتی ایجاد می‌کند. همچنین تحولات بعد از «بهار عربی» نیز به تغذیه و تسریع درگیری‌های هویتی مبتنی بر وابستگی‌های فرقه‌ای، قومی، مذهبی و قبیله‌ای در بسیاری از کشورهای عربی کمک کرده است زیرا بسیاری از این بازیگران شاخه‌های نظامی قبایل، بخش مذهبی و گروه‌های قومی هستند. بنابراین، پس از «بهار عربی» شاهد وضعیت هماهنگی بین ظهور درگیری‌های هویتی از یک سو و گسترش بازیگران خشونت‌آمیز غیردولتی از سوی دیگر هستیم.

۳-۲- وابستگی دولت‌های ورشکسته به بازیگران خشونت‌آمیز غیردولتی

همان‌طور که در بخش‌های قبلی نشان دادیم، تضعیف و ورشکستگی بسیاری از کشورهای عربی، محیط مناسبی را برای ظهور و گسترش بازیگران خشونت‌آمیز ایجاد کرد. با این وجود، وابستگی دولت‌های ضعیف در کشورهای تکه تکه شده به این بازیگران برای حفظ امنیت در بعضی از مناطق کشور یا جنگیدن با مخالفان، مواضع این بازیگران را تقویت کرده است.

در لیبی، دولت‌های ضعیف و شکننده پس از قذافی ۱- برای حفظ امنیت خود ۲- حفظ امنیت در مناطق کنترل شده و ۳- رویارویی با مخالفان خود، به شبه‌نظامیان و گروه‌های مسلح تکیه کردند. از اوایل سال ۲۰۱۶، سه دولت در لیبی وجود داشته است. دولت اول دولت وفاق ملی به ریاست فایز السراج است که در فوریه سال ۲۰۱۶ تحت توافق نامه (خیرات مراکش) تشکیل شد. این دولت در طرابلس مستقر بود و در سطح بین‌المللی شناخته می‌شد. دولت دوم دولت نجات ملی است که به ریاست خلیفه الغویل آنیز مستقر در شهر طرابلس است. این دولت در آگوست سال ۲۰۱۴ تشکیل شد. دولت سوم، یک دولت موقت به ریاست عبدالله آل ثانی^۳ است. این دولت در سپتامبر ۲۰۱۴

1 . Fayez El-Sarraj

2 . Caliph of Al-Gawil

3 . Abdullah Al Thani

توسط پارلمان منحل توپروک تشکیل شد و در شهر ال البیدا^۱ مستقر گردید. هر سه دولت دارای شبه‌نظامیان و نیروهای مسلح خاص خود هستند. دولت وفاق ملی توسط نیروهای سپر لیبی، تیپ انقلابیون طرابلس و گارد تاسیسات نفتی پشتیبانی می‌شود. دولت نجات ملی توسط شورای انقلابیون بنغازی که شامل یک اتحاد نظامی متشکل از چندین گروه اسلامی و تیپ‌های مسلح پشتیبانی می‌شود، این شورا در نبرد با ارتش ملی لیبی به رهبری میدانی ژنرال خلیفه هفتر^۲ مقابله می‌کند. ارتش ملی لیبی از چندین گردان و گروه مسلح تشکیل شده و از دولت موقت به رهبری عبدالله آل ثانی پشتیبانی می‌کند (Lacher & Al-Irriss, 2018: 20). همچنین در یمن، دولت مستعفی هادی از سال ۲۰۱۵ یک گروه مسلح مستقر در چندین استان یمن را تشویق به جنگ با جنبش انصارالله و ارتش یمن کرده است. همچنین، هادی منصور برخی از قبایل را با رشوه و وعده شرکت در آینده قدرت ترغیب به شرکت در جنگ علیه انصارالله کرده است.

۳-۳- عامل خارجی و ظهور بازیگران خشونت‌آمیز غیردولتی

محمد ایوب معتقد است که اگرچه محیط اجتماعی و تاریخی هر یک حرکت‌های اسلامی در خاورمیانه نسبت به یکدیگر متفاوت بوده است، اما همه آنها در پیرامون خود وجود یک یا چند نیروی خارجی مشترک را تجربه کرده‌اند. در این میان، ابتدائاً نقش نیروهای دوران استعمار بسیار برجسته بود. اندکی قبل‌تر، تعامل قدرت‌های بزرگ با برخی از کشورهای این منطقه برای تسلط بر منابع غنی انرژی تعریف می‌شد. به تدریج حمایت و پشتیبانی از رژیم صهیونیستی نیز به موارد افزوده شد. با این حال درک تحرکات دینی در این منطقه بدون در نظر گرفتن نقش بحران‌ساز نیروهای خارجی که به افزایش محبوبیت گروه‌های غیردولتی کمک کردند، امکان‌پذیر نیست (Ayoob, 2005: 960-961). حمایت خارجی یکی از دلایل اصلی ظهور بازیگران غیردولتی در جهان عرب چه در دوره قبل از بهار عربی و چه پس از آن است. به عنوان نمونه پشتیبانی خارجی بازیگران غیردولتی یکی

1 . El Albida

2 . Khalifa Haftar

از ویژگی‌های اصلی درگیری‌های چندساله سوریه است، جایی که این کشور به یک میدان جنگ برای جنگ‌های نیابتی با هدف تلاش برای برتری و ارسال پیام بین قدرتهای منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شده است. ایالات متحده از «نیروهای دموکراتیک سوریه» پشتیبانی می‌کند که ستون فقرات آن «واحدهای محافظت از مردم کرد» است، ترکیه از ارتش آزاد سوریه پشتیبانی می‌کند که در مقابل نیروهای دموکراتیک سوریه می‌جنگد. علاوه بر این، برخی از کشورهای عربی همانند عربستان از برخی جناح‌های مسلح - تکفیری در سوریه حمایت می‌کنند. پارادوکس‌های حمایت آمریکا از جریان اخوان در سوریه نیز از مهم‌ترین نمونه‌های پشتیبانی ابزاری قدرتهای فرامنطقه‌ای از گروه‌های غیردولتی دخیل در منازعات خاورمیانه است. تیم اندرسون معتقد است به رسمیت شناختن نقش اخوان المسلمین در سوریه از سال ۲۰۱۱ توسط ایالات متحده در حالی صورت می‌گرفت که از سوی دمشق اقدامات متعددی برای تعدیل فرقه‌گرایی مورد نظر اخوان در حال انجام بود. به اعتقاد او در منازعه سوریه اگرچه قدرت‌های غربی به صورت مستقیم ورود نکردند، اما بیشتر اقدامات آنها در تجهیز و تأمین مالی، و آموزش شورشیان سلفی به صورت نیابتی و از طریق کشورهای همچون ترکیه، قطر و عربستان سعودی به انجام می‌رسید. اندرسون وجود یک رابطه دستوری میان ایالات متحده و گروه‌های تروریستی در منازعه سوریه و تا حدودی عراق را براساس انجام یک رویکرد دوگانه قدیمی قابل تفسیر می‌داند. در این رویکرد با استفاده از اصل «انکار محتمل»^۱، آمریکا در صدد بود تا داستان جنگ با تروریسم را تا آنجایی که ممکن بود و مطلوبیش را به همراه داشت، ادامه دهد (اندرسون، ۱۳۹۶: ۱۸۰). انکار محتمل در حوزه روابط بین‌الملل به توانایی یک قدرت بزرگ برای انتقال منابع مادی به بازیگرانی فرودست اشاره دارد، به نوعی که هرگونه اقدامات این بازیگران در ظاهر امر، نشانه‌هایی از وجود ارتباط با آن قدرت بزرگ را منعکس نمی‌سازد. شورای روابط خارجی آمریکا در گزارش خود با عنوان راهبرد تقویت دیپلماسی عمومی ایالات متحده^۲، اشاره می‌کند که

1 . Plausible Deniability

2 . A Strategy for Reinvigorating U.S. Public Diplomacy

این رویکرد باید در جاهایی مورد استفاده قرار گیرد که نقش آفرینی مستقیم آمریکا موجب صدمه به وجهه این کشور در مجامع بین‌المللی می‌شود. در نتیجه بهتر است تا اقدامات مورد نظر به وسیله گروه‌های خصوصی صورت پذیرد (Peterson et al, 2003: ۷).

۳-۴- دلایل اقتصادی گسترش بازیگران غیردولتی خشونت‌آمیز

متغیر اقتصادی ابعاد مهمی در فهم و تبیین گسترش بازیگران غیردولتی در بسیاری از کشورهای عربی، به ویژه برای مردمی که از درگیری‌های داخلی سوریه، لیبی، یمن، سودان و عراق رنج می‌برند، مهم است. بازیگران غیردولتی درگیر در این کشورها به دنبال دستاوردهای سیاسی و اقتصادی بودند. داشتن توانایی کنترل بخشی از منابع اقتصادی دولت، توانایی این سازمان‌ها را در تأمین مالی و ادامه فعالیت تقویت می‌کند. این امر به ایجاد و پیشبرد «اقتصاد جنگی» کمک کرده است که با مدیریت و طولانی شدن خشونت در ارتباط است، زیرا این بازیگران در صورت انحصار استفاده قانونی از زور و انجام کارکردهای خود نمی‌توانند به دستاوردهای اقتصادی کارآمد برسند، از این‌رو این سازمان‌های مسلح تلاش‌های خرابکارانه یا تلاش برای دستیابی به یک توافق سیاسی را انجام می‌دهند. لیبی پس از قذافی نمایانگر یک مورد معمولی از یک اقتصاد جنگی است. پس از سقوط دولت مرکزی، ده‌ها گردان، شبه‌نظامیان و گروه‌های مسلح برای کنترل منابع اقتصادی دولت به ویژه نفت و همچنین ادامه فعالیت‌های جنایی از جمله قاچاق مردم، سوخت، مواد مخدر و اسلحه تلاش کردند. چنین عملی باعث افزایش آسیب‌پذیری و ضعف دولت شد، زیرا یک کشور قدرتمند منابع اقتصادی بازیگران غیردولتی را از بین می‌برد. این عامل سرانجام به شکست دولت لیبی منجر شد و وحدت آن را به عنوان یک نهاد سیاسی فروپاشید (Eaton, 2018: 5).

اقتصاد داعش به عنوان ثروتمندترین شبکه تروریستی مبتنی بر یک نظام مالی پیچیده است و بر راهبردهای مالی متنوع برای مدیریت شبکه‌های دوردست خود اتکا دارد. در اواسط سال ۲۰۱۴، برآوردها از درآمد داعش حدود سه میلیون دلار در روز بوده و دارایی‌های آن نیز بین ۱،۳ و ۲ میلیون دلار برآورده شده است. آنچه داعش را از سایر گروه‌ها و شبکه‌های تروریستی همچون القاعده متمایز

می‌کرد این است که برخلاف گروه‌های دیگر از جمله القاعده که به شدت به جمع آوری پول از طریق موسسه‌های غیردولتی و اهداکنندگان خیریه وابسته بودند، دولت اسلامی عراق و شام به طور عمده منابع مالی خود را از طریق فساد و فعالیت‌های جنایی از جمله قاچاق نفت، غارت و چپاول، اعمال مالیات تحمیلی، تصرف بانک، آدم ربایی و... به دست می‌آورد. همچنین از آنجا که بخش اعظم درآمد داعش از فعالیت‌های جنایی و تروریستی و واسطه‌ها در سراسر خاورمیانه بدست می‌آمد، نیاز آن به انتقال پول به خارج از مرزهای بین‌الملل را به حداقل می‌رساند (محروق، ۱۳۹۴: ۲۱). با توجه به اینکه فهم شیوه‌های تامین منابع مالی داعش و چگالی ارتباط بین داعش و گروه‌های تامین کننده منابع مالی به منظور انجام اقدامات موثر جهت مقابله با آن تا حدودی برای بیشتر کشورهای درگیر این نیروها مهم است، برخی از مهم‌ترین منابع تامین مالی شامل: ۱- درآمد حاصل از فروش نفت ۲- درآمد حاصل از چپاول فعالیت‌های کشاورزی ۳- درآمد حاصل از اقدامات جنایی و اخاذی از بانک ۴- اهداکنندگان شخصی و اعضای خانواده‌های سلطنتی ۵- کمک‌های بشر دوستانه جعلی ۶- مرزهای ترکیه و افغانستان و ۷- سیستم پولی حواله می‌باشد.

جدول ۳: الگوی موسسه رند درباره تامین بودجه بازیگران خشونت‌آمیز غیردولتی (ابرهیمی‌فر، ۱۳۹۶)

	درآمد	جابجایی	ذخیره‌سازی
داخلی	تجارت- جمع آوری کمک به اسم خیریه از مساجد و کلیساها- مواد مخدر	انتقال پول از سیستم غیررسمی و بدون ثبت- صورت حساب‌سازی بین تجاری	ذخیره جواهرات و پول در بانک‌های هم‌سو
خارجی	هدایای شخصی هدایا از کلیساها	انتقالات تلفنی- مبادلات تجاری- انتقالات از حساب‌های بانکی	حساب‌های بانکی- سهام- اوراق قرضه

علی‌رغم روش‌های بی‌شماری که برای مقابله با بازیگران غیردولتی به کار رفته است، اما خطرات

این بازیگران به ویژه سازمان‌های جهادی تروریستی پایان نیافته است. استفاده از زور، سازمان‌هایی

مانند داعش، القاعده، نهضت جوانان مجاهدین و دیگران را از بین نبرد. خاطرنشان می‌شود که با ناپدید شدن برخی سازمان‌های جهادی مسلح، سازمان‌های جدیدی ظاهر شده‌اند و این بازیگران به تدریج در کشورهایمانند لیبی، سوریه و یمن خطرناک‌تر از قبل شده‌اند. رویکردهای سنتی که بر خلع سلاح، غیرنظامی کردن تأکید دارند، در برخورد با این نوع بازیگران در جهان عرب به دلیل ملاحظات داخلی و خارجی مؤثر نیست. عملکرد این سازمان‌ها برای حامیان‌شان به یک فرهنگ، منبع درآمد و بخشی از زندگی روزمره آنها در موارد بسیاری تبدیل شده است. علاوه بر این، نقش برخی حامیان خارجی فرمانطقه‌ای و منطقه‌ای در پشتیبانی و حمایت از سازمان‌های مسلح در بسیاری از کشورهای عربی را نمی‌توان نادیده گرفت. در بسیاری از موارد، این سازمان‌ها به عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف و علایق کشورهای خارجی مورد استفاده قرار گرفته‌اند (Sayigh, 2019: 1).

نتیجه‌گیری

پیدایش و استمرار بازیگران غیردولتی خشونت‌آمیز از جمله داعش، القاعده و شبه‌نظامیان در واقع در واکنش به عوامل متعددی مانند استعمار غرب، انحطاط فکر و استبداد داخلی، الغای خلافت عثمانی، سکولاریزه‌شدن شتاب‌زده جوامع اسلامی، جهانی‌شدن افزایش نارضایتی‌ها، بحران مشروعیت، بحران هویت، توزیع ناعادلانه ثروت، فساد و سرکوب و همچنین گسترش امپریالیست و دخالت کشورهای خارجی در مناطق مورد مطالعه قابل تبیین هستند. استمرار فرایند توسعه وابسته و پیامدهای منفی همه‌جانبه ناشی از آن، فقر فرهنگی و اقتصادی شدید در منطقه در کنار بحران شدید مشروعیتی و هویتی سبب شده‌است تا خاورمیانه و شمال آفریقا در دوران پسابهارعربی همچنان با ظهور گروه‌های تروریستی دیگر مواجه باشد؛ بنابراین نیازمند فائق آمدن بر فقر فرهنگی و اقتصادی جنبش‌های اجتماعی مردمی و نخبگان فکری و مدنی هستیم تا بتوانند بستر ساز خلع سلاح گروه‌های تروریستی از توده‌ها و بدنه‌های اجتماعی باشد. همچنین عدم موفقیت در ساخت دولت-ملت در بسیاری از کشورها از جمله لیبی محیط مناسبی را برای ظهور و گسترش بازیگران خشن غیردولتی

ایجاد کرده است. دلایل زیادی مبنی بر اینکه در آینده‌ای نزدیک، احتمال ادامه و بقای این بازیگران در بسیاری از کشورها از جمله دست‌یابی به توافق‌های سیاسی برای خاتمه‌دادن به جنگ‌های داخلی و تعیین نقشه راه پس از جنگ برای مشروعیت قانونی ادامه فعالیت این گروه‌ها افزایش یافته است. با این‌وجود تلاش برای رسیدن به توافق سیاسی در بسیاری از کشورهای محل بحران تاکنون با توجه به عمق اختلافات و تفرقه در میان بازیگران غیردولتی در کشورهای فوق شکست خورده است. در این اوضاع پیچیده امنیتی، بسیاری از گروه‌های تروریستی فرصت تسویه حساب‌های سیاسی به منظور حفظ منافع یا تسویه حساب با سایر گروه‌ها را پیدا کرده‌اند. شکست نظامی داعش در سوریه، عراق و لیبی، شکست نظامی احتمالی این بازیگران در لیبی و فروپاشی گروه‌های مسلح در سودان، به هیچ وجه به معنای پایان بحران ساختاری و درگیری‌های داخلی در این دولت‌ها نیست. اگرچه شکست داعش در نوع خود یک موفقیت بزرگ به شمار می‌رفت اما باید اذعان کرد که علل واقعی زیربنایی بدون درمان جدی باقی خواهند ماند. با این وضعیت سازمان‌های مسلح جدید ظاهر می‌شوند و درگیری‌ها دوباره به شکل جدیدی ظاهر می‌شوند. علاوه بر این، بحث در مورد خلع سلاح، ترخیص و ادغام مجدد شبه نظامیان و گروه‌های مسلح در غیاب دو عامل، یعنی رسیدن به توافق سیاسی قابل قبول به همراه ایجاد زمینه مناسب برای این تحولات و داشتن یک حکومت نیرومند با پشتیبانی واقعی بین‌المللی بی‌معنی می‌باشد. همچنین اجرای نقشه راه توسعه سیاسی و اقتصادی پس از جنگ و بحران امنیتی در این کشورها، که شامل بازسازی ارتش ملی و مؤسسات امنیتی بر مبنای حرفه‌ای، بازسازی اقتصاد ملی و تحکیم شخصیت مدنی دولت با استفاده از اصول شهروندی، حاکمیت قانون، احترام به حقوق بشر و عدالت اجتماعی بدون کمک تمام سازمان‌های دخیل در این بحران‌ها امکان‌پذیر نمی‌باشد.

فهرست منابع

- ۱- ابراهیمی فر، طاهره (۱۳۹۶) «علل بقای شبکه‌های اقتصادی سازمان‌های تروریستی در خاورمیانه در عرصه‌های ارتباطات سیاسی»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره ۳۹، صفحه ۲۳-۴۴.
- ۲- اخوان کاظمی، مسعود، صادقی، سید شمس الدین، و نیکونهاد، ایوب (۱۳۹۷)، «آینده پژوهی گروه‌های تکفیری»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ششم، شماره ۲۴، صفحه ۱۹۱-۲۱۴.
- ۳- اندرسون، تیم (۱۳۹۶)، جنگ کثیف در سوریه؛ واشنگتن، تغییر رژیم و مقاومت، ترجمه مهدی هدایتی شهیدانی، رشت، انتشارات دانشگاه گیلان.
- ۴- بصیری، محمدعلی، آقامحمدی، زهرا، فلاحي، احسان (۱۳۹۵)، «بسترهای شکل‌گیری و تداوم تروریسم در غرب آسیا؛ مطالعه موردی داعش در عراق و سوریه»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره ۱۹، صفحه ۵۱-۷۱.
- ۵- محروق، فاطمه (۱۳۹۴)، «اقتصاد سیاسی تروریسم؛ مطالعه موردی داعش»، فصلنامه روابط خارجی، سال هفتم، شماره ۴، صفحه ۱۱۹-۱۵۴.
- ۶- نظری، علی اشرف و السمیری، عبدالعظیم (۱۳۹۳)، «بازخوانی هویت دولت اسلامی در عراق و شام (داعش)؛ فهم زمینه‌های فکری و سیاسی-اجتماعی»، فصلنامه علوم سیاسی، سال هفتم، شماره ۶۳، صفحه ۷۵-۱۰۸.
- ۷- واثق، محمود و آقایی، وحید (۱۳۹۴)، «ارزیابی اندیشه‌ها و باورهای مذهبی گروه‌های افراطی و تروریستی در جهان اسلام؛ نمونه موردی: داعش و جبهه النصره»، فصلنامه علمی تخصصی روابط فرهنگی، سال اول، شماره اول، صفحه ۱۴۱-۱۶۰.
- 8- Alami, M. (2019), 'The Islamic State lives on,' Sada: Middle East Analysis. Carnegie Endowment for International Peace.
- 9- Ali, H. (2018), 'State transformation from rigidity to fragility and failure: the case of Middle East and North Africa. International Journal of Public Administration 41, 10.
- 10- Ali, H (2020), "Post-Arab Spring: The Arab World between the Dilemma of the Nation-State and the Rise of Violent Non-State Actors (VNSAs)", Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies, <https://doi.org/10.1080/25765949.2020.1728972>
- Ayoob, Mohammed (2005) "the future of political islam: the importance of external variables", International Affairs, Vol. 81, No. 5, 951-961.
- 11- Baczko, A. G. Dorransoro and A. Quesnay (2018), Civil War in Syria: Mobilisation and Competing Social Orders. Cambridge: Cambridge University Press.
- 12- Bassil, N. (2013), the Post-Colonial State and Civil War in Sudan: the Origins of Conflict in Darfur. London: I, B. Tarius.

- 13- Byman, D (22 February 2019), "What comes after ISIS?", Foreign Policy, available at: <https://foreignpolicy.com/2019/02/22/isiss-success-was-also-its-undoing-syria-sdf-islamic-state>.
- 14- Eaton, T. (April 2018) 'Libya's war economy: predation, profiteering and state weaknesses, Research Paper, Chatham House.
- 15- Ezrow, N. (2017) Global Politics and Violent Non-State Actors, London: Sage Publishers, Part III.
- 16- Global Terrorism Database at the University of Maryland (2018), A Persistent Threat: The Evolution of al Qaida and other Salafi Jihadists. University of Maryland.
- 17- Kamrava, M. (2016), Fragile Politics: Weak States in the Greater Middle East. London: C. Hurst & Co. publishers, Ltd.
- 18- Lacher, W and Al-Irrissi (2018), 'Capital of militias: Tripoli's armed groups capture Libyan state. Briefing Paper, Security Assessment in North Africa, June.
- 19- Mansour, R and F. Jabar (2017), the popular Mobilisation forces and Iraq's future, Carnegie Middle East Centre, Carnegie Endowment for International Peace, April.
- 20- McQuinn, B (October 2012), "after the fall: Libya's evolving armed groups". Small Arms Survey, Working Paper 12, Graduate Institute of International and Development Studies, Geneva, available at: <http://www.smallarmssurvey.org/fileadmin/docs/F-Working-papers/SAS-WP12-After-the-Fall Libya.pdf>
- 21- Nakamura, S. (2019), "the tenets of Jihad and Takfir in the emerging concept of Wasat: Libya (Moderation) as counterterrorism in Saudi Arabia", Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies 13 (3).
- 22- Ogur, B and Z. Baykal (2017), 'Understanding 'foreign policy' of the PYD/YPG as a non-state actor in Syria' Rome: Edizioni Nuova Culture.
- 23- Peterson, Peter G. Kathy Bloomgarden, Henry Grunwald, David E. Morey, and Shibley Telhami, (2003) Finding America's Voice: A Strategy for Reinvigorating U.S. Public Diplomacy, Report of an Independent Task Force Sponsored by the Council on Foreign Relations.
- 24- Sayigh, Y. (2019), "Hybridizing security: armies, militias, and constrained sovereignty", Italian Institute for International Political Studies, 30 October.
- 25- Walayat Sinai Group (2017), the organization changed its name to It announced its dissolution in May of 2017.

- 26- Wehrey, F. (2017), 'Insecurity and governance challenges in southern Libya'. Carnegie Endowment for International Peace, March.
- 27- Yefet, A. (2017), "Iran's support for non-state actor violence - interests, goals, and grievances: Iran's relationship with the West in the 20th century", International Affairs Review XXV (1), winter.
- 28- Yesiltas, M. and T. Kardas (2018), Non-State Armed Actors in the Middle East: Geopolitics, Ideology, and Strategy. London: Palgrave Macmillan.
- 29- Zaman, S. (2015), "Rise of the non-state actors in the Middle East: regional dimensions". IPRI Journal XV (1), winter.